

مفهوم، جایگاه و آثار نماز از دیدگاه آیات، روایات و سیره معصومین

محسن فراهانی^۱

چکیده

نماز عالی‌ترین و راهبردی‌ترین برنامه ارتباط با خداوند متعال و بارزترین نوع بندگی است، چرا که نماز به منزله ستون خیمه دین است و بدون ستون، خیمه سرپا و استوار نخواهد ماند. پس بدون نماز، هیچ یک از اصول و فروع دین به کار نمی‌آید. نماز مظهر عبادتی است که هدف خلقت، بیان شده است و ترک نماز مساوی با کفر شمرده شده است. لذا براساس آیات و احادیث، نماز جایگاه والایی در همه ادیان توحیدی دارد تا جایی که همه انبیا مأمور به اقامه نماز بوده‌اند. این پژوهش با هدف پی بردن به اهمیت نماز و با روش توصیفی و تحلیلی بر اساس چارچوب نظریه اسلام که مبتنی بر آیات و روایات پیامبر و ائمه معصومین (ع) می‌باشد؛ به دنبال بررسی مفهوم، جایگاه و آثار نماز از نگاه شریعت مقدس اسلام می‌باشد. همچنین به نظر می‌رسد آحاد افراد جامعه اسلامی به کنه، حقیقت و اهمیت والای نماز پی نبرده باشند.

واژگان کلیدی: نماز، عبادت، دین، اسلام، قرآن کریم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نماز جرعه وصالی است که هرگز بهره بردگان درگاه الهی، از آن سیراب نمی‌شوند همان گونه که از رسول خدا صلی‌الله‌وآله‌وسلم روایت شده که فرمود: "ای اباذر! خدای عزوجلّ روشنی چشم مرا در نماز قرار داده و آن را محبوب من گردانیده، همچنان که طعام را بر گرسنه و آب را بر تشنه محبوب ساخته است." سپس فرمود: "آدم گرسنه، با خوردن غذا و تشنه با نوشیدن آب، سیر می‌شود؛ اما من با خواندن نماز سیر نمی‌شوم." (ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۷۴). نماز حقیقتی است که هیچ گونه بدلی جانشین آن نمی‌شود و یگانه نیایشی است که محبوب و معشوق، ترک آن را در هیچ شرایطی برای دلدادگان جایز نمی‌داند. با نماز است که انسان قدم به قدم از ظلمتکده زمین و هواهای نفسانی دور می‌شود و بر کرانه ازلی و ابدی می‌نشیند و چنان نظاره‌گر رخ یار می‌شود که حتی خارج کردن تیر از بدنش را هم حس نمی‌کند. همچنان که درباره امیرالمؤمنین علی (ع) رخ داد.

نماز نزدبانی است که مصلی‌اش را پله پله بالا و بالاتر می‌برد تا جایی که جز خدای متعال برایش کوچک و حقیر می‌نماید همانطور که اگر کسی پرواز کند، زمین با تمام وسعتش برای او کوچک به نظر می‌رسد. امیرالمؤمنین علی (ع) در وصف چنین افرادی می‌فرماید: "عظم الخالق فی انفسهم فصغر مادونه فی اعینهم" خالق و آفریدگار در روح جانشان بزرگ جلوه کرده (به همین جهت) غیر خداوند در نظرشان کوچک است. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳).

نماز انسان را تا آنجا پیش می‌برد که همه لحظات انسان نماز می‌شود چرا که هدف از نماز درک حضور است و این در خارج از نماز هم کاملاً میسر است بلکه ادای نماز پنجگانه مقدمه‌ای برای حضور دائمی و شبانه‌روزی در محضر پرودگار عالم است. به قول باباطاهر:

خوشا آنانکه الله یارشان بی
بحمد و قل هو الله کارشان بی

خوشا آنانکه دایم در نمازند
بهشت جاودان بازارشان بی

چرا که اگر درک حضور میسر شود کار خلاف حضور دیگر صورت نمی‌گیرد. آنچه از معصیت و گناه صورت می‌گیرد به خاطر غفلت از حضور در درگاه الهی است. این فرموده امام خمینی (ره) که عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت نکنید ناشی از همین نوع نگاه است و بالاترین درک حضور در سیره معصومین قابل مشاهده است. به طوری که یکی از همسران رسول خدا صلی‌الله‌وآله‌وسلم نقل می‌کند: پیامبر خدا صلی‌الله‌وآله‌وسلم با ما سخن می‌گفت و ما با وی سخن می‌گفتیم، چون هنگام نماز فرا می‌رسید، به سبب توجه به عظمت حق تعالی، چنان می‌نمود که گویی ما را نشناخته و ما او را نمی‌شناسیم (فیض کاشانی، ۱۳۸۳ ق: ۱/۳۸۰؛ ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۷۴).

مفهوم نماز

واژه فارسی نماز از واژه پهلوی «نماک» گرفته شده است و آن هم به نوبه خود از ریشه باستانی «نم» به معنای خم شدن و کرنش است که اندک اندک بر مفهوم صلات یا عبادت ویژه مسلمانان منطبق شده است (خزائی، ۱۳۵۸: ۳۳۸).

نماز هدیه خداوند است و ره آورد سفر معراج حبیبش حضرت محمد صلی الله علیه و سلم و نمازگزار، سالک وادی این عشق است و در هر نوبت اقامه نماز، قدمی سلوکی و وصال گونه بر می‌دارد (سمندری، ۱۳۸۰: ۱۸).

نماز تکلیف است و برای کسانی که از وادی عشق به دورند تحمل سختی است اما برای به مقصد رسیدگان نور چشم است "و قره عینی فی الصلاه" (سمندری، ۱۳۸۰: ۱۹) این افراد دائم الصلاه اند همانگونه که امام باقر(ع) می‌فرماید: "همیشه بنده مؤمن در نماز است، وقتی به ذکر و یاد خداوند متعال باشد، چه ایستاده باشد یا نشسته و یا به پهلو آرامیده" (سمندری، ۱۳۸۰: ۳۱) خداوند متعال هم در قرآن مجید به این مطلب مهر تأیید می‌زند و می‌فرماید "الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم" کسانی که همیشه در حال ذکر و یاد خداوند متعال هستند چه ایستاده و چه نشسته و یا به پهلو آرامیده (آل عمران، ۱۹۳).

اهمیت نماز به اندازه‌ای است که واژه صلاه با مشتقات آن بیش از ۹۰ بار در قرآن مجید تکرار شده است و حدود ۹۰۰ بار کلمات و واژه‌هایی که مرتبط با نماز هستند مانند رکوع، سجده، وضو، مسجد، ذکر، عبادت و... در قرآن کریم ذکر شده است این در حالی است که بسیاری از کلمات همچون اسامی برخی انبیا (ع) و مکان‌ها در قرآن مجید ذکر نشده است.

نماز نخستین دستور الهی

نماز مقدم بر دستورات دیگر همچون زکات یا روزه، نخستین عبادتی است که بر بندگان واجب شد. از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم روایت شده است: "اول ما افترض الله علی امتی، الصلوات الخمس و اول ما یرفع من اعمالهم، الصلوات الخمس و اول ما یسألون عنه، الصلوات الخمس" اولین چیزی که خداوند بر امت من واجب کرد، نمازهای پنجگانه است و اولین چیزی که از اعمال ایشان بالا برده می‌شود، نمازهای پنجگانه است و اولین چیزی که نسبت به آن مورد سؤال واقع می‌شوند، نمازهای پنجگانه است (متقی، ۱۴۱۹ق: ۷/ حدیث ۱۸۸۵).

طبق این حدیث شریف نخستین پرسشی که بر بندگان واجب شد نماز است و اولین چیزی که روز قیامت از آن بپرسند نماز است. جمله (اول ما افترض الله) حاکی از آن است که پیش از نماز هیچ عملی پا به عرصه تشریح و وجوب ننهاده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید: باید بیشترین هم تو نماز باشد؛ زیرا نماز، بعد از پذیرفتن دین، سرآمد اسلام است. تعبیر فانها راس الاسلام بعد الاقرار بالدين نشان از جایگاه بی بدیل نماز در سایر دستورات و اوامر الهی دارد (ری شهری، ۱۳۸۵: ۲۷۲/۶).

این نماز است که چهره دین، دژی در برابر یورش های شیطان، سبب نزول رحمت الهی، میزان اعمال، و محبوب ترین کارها نزد خداوند متعال و آخرین سفارش پیامبران (ع) شمرده شده است (ری شهری، ۱۳۸۵: ۲۷۳/۶).

جایگاه نماز

یکی از بهترین تعبیرها درباره جایگاه و اهمیت نماز کلام رسول خدا صلی الله علیه و سلم است که از نماز به عنوان ریشه و اصل اسلام یاد کردند. «عن ابی عبدالله (ع) قال: جاء رجل الی رسول الله صلی الله علیه وآله فقال: یا رسول الله اخبرنی عن الاسلام اصله... فقال اصله الصلاة...» (طوسی، ۱۴۰۷: ۲/۲۴۲).

و چه جایگاهی از این بالاتر که امام صادق (ع) فرمود: اگر خداوند متعال از کسی یک نماز او را بپذیرد، او را عذاب نخواهد کرد.

«قال الصادق علیه السلام: مَنْ قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاةً وَاحِدَةً لَمْ يَعْذِبْهُ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۲۶۴). چرا که بهترین عمل بنده نماز است. قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: "الصلوة من افضل اعمال العباد" (نوری، ۱۴۰۸: ۱۸۴)

نماز بهترین عمل بنده است به دلیل آن که پیامبر گرامی اسلام فرمود: "موضع الصلوة من الدين كموضع الرأس من الجسد"

جایگاه نماز در دین، مانند جایگاه سر در بدن است (متقی، ۱۴۱۹: ۷/ حدیث ۱۸۹۷۲).

به فرموده امام صادق (ع) محبوب ترین عمل نزد خداوند متعال و آخرین سفارش انبیاء درباره نماز بوده است: "احب الاعمال الی الله - عز و جل - الصلوة و هی اخر وصایا الانبیاء" (ری شهری، ۱۳۸۵: ۲۷۳/۶).

بارزترین مصداق عبادت نماز است و بیشترین فراوانی حدیث در رابطه با نماز است تا حدی که تارک نماز کافر شمرده شده است رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: "من ترک الصلاة متعمدا فقد کفر" (فیض -

کاشانی، ۱۳۸۳ق: ۱/ ۳۰۱) سیمای نماز در آیات و روایات به بهترین وجه توصیف شده است: بهترین وسیله یاد خدای متعال نماز است "اقم الصلاه لذکری" (طه، ۱۴). نماز داروی تکبر شمرده شده است چرا که علی(ع) می‌فرماید: خداوند نماز را واجب کرد تا انسان را از کبر دور کند (نهج البلاغه، حکمت، ۲۵۲). نماز وسیله تشکر از خداست "فصل لربک وانحر" (کوثر، ۲). نماز به منزله پرچم، آرم و نشانه مکتب اسلام است پیامبر اکرم(ص) فرمود: "علم الاسلام الصلاه" (متقی، ۱۴۱۹ق: ۷، ۲۷۹). نماز کلید بهشت است "الصلاه مفتاح الجنه" (نهج الفصاحه، جمله ۱۵۸۸) و نماز اساس دین شمرده شده است "بنی الاسلام علی خمس... الصلاه" (حرعاملی، بی تا: ۴/۱) نماز، بهترین وسیله تقرب به خداوند متعال است (ری شهری، ۱۳۸۵: ۶/۲۷۴). نماز، بهترین تکلیف و بهترین عمل و ستون دین شمرده شده است (ری شهری، ۱۳۸۵: ۶/۲۷۵)

امام صادق (ع) در پاسخ به این سؤال که برترین اعمال و محبوب‌ترین آن‌ها نزد خداوند متعال چیست؟ فرمود: بعد از معرفت به خداوند متعال، چیزی برتر از این نماز نمی‌شناسم (ری شهری، ۱۳۸۵: ۶/۲۷۵). و چه توصیفی از این بالاتر که امام باقر(ع) فرمود: نخستین چیزی که بنده برای آن حسابرسی می‌شود نماز است؛ اگر پذیرفته شد سایر اعمالش هم پذیرفته می‌شود (کلینی: ۱۴۰۷ق: ۲۶۸/۳؛ ری شهری، ۱۳۸۵: ۶/۲۸۲).

نماز آخرین سفارش انبیاء "و هی آخر وصایا الانبیاء" و آخرین سفارش امام صادق(ع) پیش از وفات است که همه خویشان و فرزندان را دور خود جمع کرد و فرمود کسی که نماز را سبک بشمارد مشمول شفاعت ما نخواهد شد (معرفت، ۱۳۸۸: ۳/۳۵۸). نماز برای اولیا خدا شیرین و برای منافین دشوار و سنگین است "و انها لکبیره الا علی الخاشعین" (بقره، ۴۵).

خلاصه آن که نماز عبادتی است که هیچ عملی از اعمال دینی و افعال عبادی با آن قابل مقایسه نیست چرا که هر دستور دینی در اضطرار ساقط می‌شود جز نماز. وجوب نماز از انسانی که در حالت غرق شدن یا در معرکه جنگ هستند باز ساقط نمی‌شود. نماز از بالاترین درجه و مرتبه تعالیم دینی برخوردار است به طوری که میزان و معیار سایر اعمال است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: "کل عملک تبع لصلاتک" تمام اعمال تو تابع نماز تو هستند. یعنی اگر در سایر اعمال نقصان و خللی می‌بینی بدان که از نمازت کم گذاشتی. حتی می‌توان گفت اگر در امورات شخصی زندگی با مشکلاتی مواجه هستی بدان نمازت، نماز نبوده است چرا که نماز هر کسی متناسب با نماز خوانش کاری می‌کند. نماز، یک فعالیت مرده بی روح عمومی نیست که همه با هم آن را انجام بدهند. مثلاً من اگر حبّ مقام دارم، نمازم حبّ مقامم را برطرف می‌کند؛ اگر حبّ مال دارم، حبّ مالم را برطرف

می‌کند؛ اگر حبّ شهوت دارم، حبّ شهوتم را برطرف می‌کند؛ اگر تکبر دارم تکبرم را زائل می‌کند. (پناهیان، ۱۳۹۶: ۲۸).

اگر خدای متعال دستور داده است از نماز کمک بگیرید «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ» (بقره، ۴۵) مسلم است که از یک امر بی‌جان و بی‌روح کمکی قابل انتظار نیست، نماز زنده است و متناسب با نمازخوانش پاسخ می‌دهد. لذا نماز پناهگاه خوبی هنگام هجوم مشکلات است امام صادق (ع) فرمودند: ای مِسْمَعُ! چرا هرگاه غمی از غم‌های دنیا به یکی از شما می‌رسد، وضو نمی‌گیرد و به مسجد نمی‌رود و دو رکعت نماز نمی‌گزارد و در آن خدا را نمی‌خواند؟ مگر نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: «از صبر و نماز، کمک بجوئید» (مجلسی، ۱۴۲۱ق: ۳۴۸/۸۸).

اگر درک و معرفت به ارزش نماز برای کسی حاصل گردد هرگز در آن کوتاهی نکرده و یا آن را ترک نخواهد نمود. در روایتی از امام صادق (ع) چنین آمده است که: «هرگاه کسی به نماز ایستد رحمت الهی از آسمان بر او نازل می‌شود و فرشتگان اطراف او را احاطه می‌کنند و فرشته‌ای گوید: اگر این نمازگزار ارزش نماز را می‌دانست هیچ گاه از نماز منصرف نمی‌شد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳/۲۶۵) و از این بالاتر اگر نمازگزار می‌دانست که چه هاله‌ای از جلال خداوند متعال او را فراگرفته است، هرگز دوست نداشت که سر خود را از سجده‌اش بردارد. (ری شهری، ۱۳۸۵: ۲۸۶/۶).

نماز عامل مهم عاقبت بخیری است چرا که قرآن مجید وعده می‌دهد که سرانجام نیک برای متقین است، "العاقبه للمتقین" (قصص، ۸۳) مسلم است که همه انسان‌ها به دنبال سرانجامی نیک و عاقبتی خوب هستند و برای رسیدن به آن تلاش‌های زیادی می‌کنند. هدف را همه درست و خوب تشخیص دادند اما راه رسیدن به آن را اکثراً اشتباه می‌روند. قرآن مجید نه تنها هدف را مشخص می‌کند بلکه راه و برنامه را هم نشان می‌دهد. به بیان دیگر خود قرآن مجید متقین را معرفی می‌کند تا معلوم شود آن‌ها چه کسانی هستند که عاقبت نیک برای آنهاست. در اوایل سوره بقره بعد از ذکر این نکته مهم، که این کتاب مقدس هیچ شکی در آن نیست و مایه هدایت متقین است صفات اصلی متقین را بر می‌شمارد و بیان می‌دارد متقین صفت کلیدی دارند (ایمان به غیب، اقامه نماز، ادای زکات، انفاق، ایمان به قرآن و سایر کتب آسمانی، و در نهایت ایمان به معاد) (بقره، ۳-۴).

نکته مهم این است که بعد از ایمان به غیب که بدون آن، کسی اساساً ایمان نخواهد آورد چون وجود خداوند متعال از مقوله محسوسات نیست اقامه نماز را بر می‌شمارد که اگر این امر مهم شد، سپس امکان عمل و ادای زکات و انفاق و سایر دستورات میسر می‌شود. این کریمه بیان می‌دارد که بدون نماز انسان اهل تقوا نمی‌شود و بدون تقوا، عاقبتی خوش محال است.

سبک شمردن نماز

اهمیت و ارزش قائل شدن برای نماز، نشانه ایمان و عشق و علاقه به خداوند متعال است چرا که نماز مظهر فرصت در بارگاه ربوبی است که اجازه صحبت با خودش را بدون هیچ واسطه‌ای و مانعی به بندگانش داده است و بی‌اعتنایی به نماز، دلیل ضعف و بیماری روحی و معنوی است. خطر سبک شمردن نماز به حدی است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: دزدترین دزدها کسی است که از نمازش دزدی کند. (ری شهری، ۱۳۸۵: ۶/۳۲۴).

سبک شمردن نماز، تنها شامل گهگاه خواندن نماز نیست. بلکه کسی که آداب قرائت نماز و سکینه و آرامش ارکان نماز را رعایت نمی‌کند هم نماز را سبک شمرده است. امیرالمؤمنین به مردی که سجده‌های نمازش را خیلی سریع به جا می‌آورد فرمود: "شخصی چون تو در نزد خداوند متعال همانند کلاغ است که نوک بر زمین می‌زند، اگر بمیری بر غیر آیین محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم مرده‌ای". سپس فرمود: "دزدترین مردم کسی است که از نمازش بدزدد" (ری شهری، ۱۳۸۵: ۶/۳۲۴). حتی کسی که آداب نماز را خوب رعایت کند اما در نماز به غیر خداوند متعال توجه می‌کند هم نماز را سبک شمرده است. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: "همین که انسان در نماز به غیر خدای متعال توجه می‌کند، خداوند متعال به او می‌فرماید: به که توجه می‌کنی؟ آیا پروردگاری غیر از من سراغ داری؟ آیا مراقبی جز من در کار است؟ آیا به بخشنده‌ای غیر از من دل بسته‌ای؟" (نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۷۳/۱) آری آن مقدار از نماز بهره نمازگزار می‌شود که با توجه قلبی همراه باشد و اگر کسی در همه نماز حواسش به کلی پرت باشد آن نماز مچاله شده و صورت صاحبش پرت می‌شود (ری شهری، ۱۳۸۵: ۶/۳۰۵).

قرآن مجید در توصیف کسانی که نماز را سبک می‌شمرند بیان می‌دارد: "ویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون" (ماعون، ۴-۵)

سبک شمردن نماز باعث شده است، وسیله‌ای که مایه رحمت و نجات است با کلمه "ویل" با نمازگزارش خطاب شود. آری کسی که نماز را سبک بشمرد و ضایع کند نسبت به غیر نماز، تضييع بیشتری خواهد داشت. "من ضیع الصلاه فهو لغيرها ضیع" (حر عاملی، ۱۴۱۶ق: ۳/۱۹) این مسأله هم عقوبت دنیوی به دنبال دارد هم عقوبت اخروی. در روایتی پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: کسی که نماز را سبک بشمرد، خداوند برکت و بهره و خیر را از عمر و مال او بر می‌دارد، پاداش کارهای او از بین می‌رود، دعاهایش مستجاب نمی‌شود، هنگام مرگ با احساس گرسنگی و تشنگی و ذلت مخصوصی از دنیا می‌رود، در برزخ شکنجه، ظلمت و فشار می‌چشد و در قیامت حساب سختی از او

کشیده می‌شود (قمی، ۱۳۸۸: ۴۳/۲) و در نهایت آن که امام باقر(ع) دستور می‌فرماید که: "نماز را سبک بشمار!" زیرا پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم هنگام رحلتش فرمود: از من نیست کسی که نمازش را سبک بشمارد" (ری شهری، ۱۳۸۵: ۳۲۲/۶).

جایگاه نماز در ادیان الهی

نماز نه تنها در مکتب اسلام بلکه در همه ادیان از ارزش و جایگاه ویژه و ممتازی برخوردار بوده است و آنچه از قرآن مجید بر می‌آید این است که نماز در همه ادیان بوده و بر تمام انبیا (ع) واجب و از سابقه تاریخی برخوردار بوده است. اولین فرمان خدای متعال به حضرت موسی (ع) بعد از انتخابش به نبوت، اقامه نماز است.

"من الله هستم و معبودی جز من نیست، مرا پرستش کن و نماز را برای یاد من بپادار". (طه، ۱۴) با وجود این که عبادت و پرستش شامل نماز هم می‌شود اما به خاطر اهمیت آن تأکید دوباره و متمایز گونه‌ای شده است. این نشان از آن است که بار رسالت و نبوت سنگین است اگر موسی کلیم الله می‌خواهد آن را صحیح ادا کند باید فراتر از هر مسأله‌ای به یاد خدای متعالش باشد، که مظهر این یاد الهی در نماز است. در آیه دیگر اشارت دارد که ما به ابراهیم و اسحاق و یعقوب: هر کار خیر و خوبی را وحی کردیم اما بین همه کارهای خیر و خوب چند امر را متمایز نشان می‌دهد که اولین آن اقامه نماز است.

"و وهبنا له اسحق و یعقوب نافلة و کلا جعلنا صالحین و جعلناهم ائمة یهدون بامرنا و اوحینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة و کانوا لنا عابدین" ما به ابراهیم اسحاق و فرزندان او را هدایت کردیم و همه را صالح و شایسته و لایق مقام نبوت قرار دادیم، و آنان را به پیشوایی خلق برگزیدیم تا مردم را هدایت کنند، و هر کار نیکو را از انواع عبادات و خیرات مخصوصاً اقامه نماز و ادای زکات را به آنان وحی کردیم و ایشان را برای ما بندگان سر به فرمان بودند (انبیا، ۷۲-۷۳).

آداب و شیوه قرآن مجید این است که بسیاری از مسائل، اسامی شهرها و مکان‌ها، حتی گاهی اسامی انبیا (ع) را ذکر نمی‌کند اما در رابطه با حضرت زکریا (ع) حالت نماز خواندنش را هم ذکر می‌کند. "هو قائم یصلی فی المحراب" حضرت زکریا(ع) در محراب ایستاده مشغول نماز بود (آل عمران، ۳۸).

برای بیان اهمیت نماز در عملکرد انبیا، خداوند متعال داستان ابراهیم نبی را ذکر می‌کند که بعد از آن که مأمور شد تا زن و بچه خردسالش را در بیابانی بی آب و علف سکنا برای اقامه نماز دهد، درخواست می‌کند که خدایا من و فرزندانم را در زمرة اقامه کنندگان نماز قرار بده بعد بلافاصله دعا

می‌کند که پروردگارا حتما این دعا را مستجاب بفرما. " رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ " (ابراهیم، ۴۰).

نماز انبیا امری مخفی و پوشیده از انظار مردم نبوده است بطوری که نماز حضرت شعیب (ع) چنان علنی و بدیهی بوده است که قوم او برای مخالفت با فرمانش، استشهاد به نمازش می‌کنند و می‌گویند: " يَا شُعَيْبُ أَصْلَاتِكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ ۗ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ " گفتند: ای شعیب! آیا نمازت تو را دستور می‌دهد که ما آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک گوییم و آنچه را می‌خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟ تو مرد بردبار و رشیدی هستی (هود، ۸۷).

نماز مهم ترین سفارش انبیا و صالحان الهی بوده است لذا قرآن با یاد کردن این سفارش از حضرت لقمان (ع) به فرزندش "یا بنی اقم الصلاه" از دیگر مردم هم می‌خواهد فرزندان خود را این گونه تربیت کنید که به نماز اهمیت ویژه دهند. نمونه دیگر در سوره مریم از حضرت اسماعیل نام می‌برد که خانواده‌اش را امر به نماز می‌کرده است و این درس مهمی است برای دیگران که فقط مسائل مادی خانواده برای پدر خانواده مهم نباشد بلکه فراتر از جسم، روح است که ابدی است. و بالاخره نماز سری است که خدای متعال به حضرت عیسی (ع) سفارش می‌کند تا زمانی که زنده است مبدا از آن روی گردان بشود. "و اوصانی بالصلوة والزکوة ما دمت حیا" عیسی (ع) گفت: خداوند به من سفارش کرده تا زنده‌ام نماز و زکات را به پای دارم (مریم، ۳۱).

از مجموع آنچه گفته شد بدست می‌آید نماز در تمامی ادیان الهی، جایگاه بسیار ممتاز و ویژه‌ای دارد که هیچ گونه بدیلی ندارد و ادعای ارتباط با خداوند متعال بدون اقامه نماز امری واهی و بدون پشتوانه است. این آیات استدلال کسانی که می‌گویند به یاد خداوند متعال بودن در دل و درون، کافی است یا خواندن نماز برای افراد ابتدایی است و اگر به مقصد رسیدیم دیگر خواندن نماز، لزومی ندارد را رد می‌کند چرا که اقامه نماز یک دستور معین و حتمی از سوی پروردگار متعال حتی برای انبیاء هم است چه رسد به سایر پیروان و رهروان.

نماز در سیره معصومین (ع)

خداوند متعال از پیامبر گرامی‌اش می‌خواهد تا لحظه مرگ عبادت او را رها نکند "فسبح بحمد ربک و کن من الساجدین، و اعبد ربک حتی یأتیک الیقین" و به ستایش پروردگارت تسبیح کن (و از نمازگزاران باش) و دایم به پرستش و عبادت خدای خود مشغول باش تا لحظه مرگ تو فرا رسد (حجر، ۹۸ - ۹۹). نه تنها عبادت روزانه بلکه بر او عبادتی شبانه را نیز تکلیف می‌کند که عبارت است از نماز شب. "و من اللیل فتهجد به نافله لک عسی ان یبعثک ربک مقاماً محموداً" پاسی از شب را از

خواب برخیز و به تهجد و عبادت مشغول باش. این یک وظیفه اضافی برای توست تا پروردگارت تو را به مقامی درخور ستایش برانگیزد (اسراء، ۷۹). به همین خاطر هیچ چیز مانع فراموشی یاد پروردگارش نبود.

دلدادگی پیامبر اکرم به نماز به گونه ای بود که موقع فرا رسیدن وقت صحبت با معشوق و محبوبش هیچ چیز دیگر را نمی‌شناخت و یکسره به او توجه تام می‌کرد. گویا دیگر در این دنیای خاکی نیست و همه انسان‌های پیرامونش برای او غریبه‌ای بیش نیستند. عایشه همسر پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌گوید: "کان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم یحدثنا و نحدثه فاذا حضرت الصلوة فکانه لم یعرفنا و لم نعرفه اشتغالا بعظمة الله" پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم با ما سخن می‌گفت و ما با وی سخن می‌گفتیم، چون هنگام نماز فرا می‌رسید، پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم به سبب توجه به عظمت حق تعالی، چنان می‌نمود که گویی ما را نشناخته و ما او را نمی‌شناسیم (فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ق: ۱/۳۵۰) و به این هم راضی نیست و بالاتر از این، خضوع پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم با این همه مقام و موقعیت در درگاه الهی است که شیوه نماز او، از هر بنده‌ای بنده‌تر و از دلداده‌ای دلاده‌تر می‌باشد گویا جامه‌ای پهن شده بر روی زمین بود "روی ان النبی صلی‌الله‌علیه‌وسلم کان اذا قام الی الصلوة کانه ثوب ملقی" (ری شهری، ۱۳۸۵: ۱۳۸۱/۵).

چنین شخصی چرا نفرماید: "انا لا اشبع من الصلوة"؛ من هرگز از نماز سیر نمی‌شوم (نوری، ۱۴۰۸: ۴۲/۳).

به همین خاطر نماز او تنها ادای وظیفه نیست بلکه نور چشم او و حبیب اوست. "ان الله جعل قره عینی فی الصلوة و حبیبها الی" همانا خداوند روشنی چشم مرا در نماز قرار داد و نماز را محبوب من نمود (همان، ۴۲).

جاذبه نماز برای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم چنان است که امیرالمؤمنین (ع) در توصیف آن می‌فرماید: "کان رسول الله لا یؤثر علی الصلوة عشاء و لا غیره و کان اذا دخل وقتها کانه لا یعرف اهلا و لا جمیعاً" رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم نه شام و نه چیز دیگری را بر نماز مقدم نمی‌داشت و چون وقت نماز فرا می‌رسید، دیگر نه خانواده می‌شناخت و نه دوست (ری شهری، ۱۳۸۵: ۱/۲۷۴) و او چنان گریه می‌کند که امام سجاد (ع) می‌فرماید: سجدگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم خیس می‌شود.

"کان یبکی حتی یبتل مصلاه خشیه من الله - عزوجل - من غیر جرم" رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم با این که بی‌گناه بود اما از خوف خداوند چنان در نماز می‌گریست که جانمازش خیس می‌شد (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۳۲).

علاقه او به نماز به گونه‌ای است که امام باقر (ع) می‌فرماید: هرگاه پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم از خواب برمی‌خاست، برای خدا سجده می‌کرد. "ما استیقظ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم من نوم الا خر لله ساجداً" (طبرسی، ۱۳۷۰: ۳۹) حتی هنگام بازگشت از سفر نماز می‌خواند، "كان النبي صلی‌الله‌علیه‌وسلم اذا قدم من سفر یصلی رکعتین" پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم هنگام بازگشت از سفر دو رکعت نماز می‌خواند. سپس به خانه خود می‌رفت (حسینی جلالی، ۱۴۲۶ق: ۶۲۶/۲). و حتی در طول سفر از منزلی کوچ نمی‌کرد مگر آن که دو رکعت نماز می‌خواند و در بیان علت می‌فرمود تا این محل، روز قیامت بر نماز خواندن من گواهی دهد "انه لم یرتحل من منزل الا صلی فیه رکعتین و قال: حتی یشهد علی بالصلوة" (نوری، ۱۴۰۸ق: ۲۴۵/۸). نه تنها پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم بلکه سایر امامان همین سیره را در برخورد با نماز داشته‌اند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: وقتی امیرالمؤمنین (ع) به نماز می‌ایستاد آیه شریفه: "با تمام وجودم به کسی که آسمان‌ها و زمین را آفرید رو می‌آورم را می‌خواند"، رنگ و چهره مبارک او متغیر می‌شد، به طوری که تغییر حالت و دگرگونی از صورت مبارکش به خوبی مشاهده می‌گشت.

"و كان علی (ع) اذا قام الی الصلوة فقال: و جهت وجهی للذی فطر السموات والارض، تغیر لونه حتی یعرف ذلک فی وجهه" (ری شهری، ۱۳۸۵: ۵ / ۳۸۱) حتی چکاکک جنگ و زد و خورد مانع یاد خدای متعال و اقامه نماز مولا علی (ع) نیست.

ابن عباس می‌گوید: "روزی در جنگ صفین حضرت علی (ع) در حالی که مشغول جنگ بود مرتب به خورشید نگاه می‌کرد ابن عباس عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! این چه کاری است که شما انجام می‌دهید؟ حضرت فرمود: نگاه می‌کنم تا موقع فرارسیدن ظهر نماز را در اول وقت بخوانم ابن عباس گفت: آیا حالا وقت نماز است؟ ما مشغول جنگ هستیم حضرت فرمود: مگر ما برای چه چیزی می‌جنگیم؟ به درستی که ما برای نماز جنگ می‌کنیم" (دستغیب، ۱۳۸۹: ۹). و چنین شخصی به بالاترین مقام درک و حضور و فنای در ذات حق و تماشای جمال او نشسته است که راه چاره نجات از درد خارج کردن تیر از پایش، در نماز او یافت می‌شود.

"در مورد حضرت آمده است که در یکی از جنگ‌ها تیری به پای آن حضرت فرو رفته بود و بیرون آوردن آن ممکن نمی‌شد، فاطمه (س) فرمود: آن را در حال نماز از پایش بیرون آورید، زیرا در آن حال، آنچه را بر او می‌گذرد احساس نمی‌کند. براساس سفارش فاطمه (س) هنگامی که امام مشغول نماز بود، تیر را از پایش بیرون کشیدند." (فیض کاشانی، ۱۳۸۳ق: ۱ / ۳۹۷).

نماز حضرت زهرا(س) به گونه‌ای بود که از ترس خدای متعال، در نماز نفس نفس می‌زد (ری شهری، ۱۳۸۵: ۶/ ۲۹۲) و امام حسن مجتبی(ع) هرگاه وضو می‌گرفت رنگ چهره‌اش تغییر می‌کرد و بندهای بدنش به لرزه می‌افتاد. وقتی علت را جویا می‌شدند می‌فرمود: "کسی که در برابر خداوند صاحب عرش ایستاده است، باید رنگش زرد شود و بند بند بدنش به لرزه افتند" (ری شهری، ۱۳۸۵: ۶/ ۲۹۳) امام سجاد(ع) هرگاه به نماز می‌ایستاد گویی تنه درختی است که هیچ چیزی از آن تکان نمی‌خورد مگر آنچه که وزش باد به حرکت در می‌آورد. و وقتی به سجده می‌رفت آنقدر سر از سجده بر نمی‌داشت که عرق از او می‌ریخت (ری شهری، ۱۳۸۵: ۶/ ۲۹۳) وقتی امام زین العابدین(ع) از وضو فارغ می‌شد و آماده نماز می‌گردید، لرزه بر اعضای بدن آن حضرت مستولی می‌شد!

وقتی راجع به این موضوع از آن بزرگوار سؤال کردند، فرمود: "مگر نمی‌دانید که من در حضور چه خدای بزرگی می‌ایستم؟ و با چه پروردگار عظیم الشانی مناجات می‌نمایم؟" (نجفی، ۱۳۷۱: ۳/ ۲۰).

امام باقر و امام صادق (ع) زمانی که به نماز می‌ایستادند، رنگ صورت مبارکشان تغییر می‌کرد، گاهی قرمز و زمانی زرد می‌شد مثل اینکه با کسی مناجات می‌کنند که او را می‌بینند (مجلسی، ۱۴۲۱ق: ۲۴۸/۸۴).

امام صادق(ع) در نماز خود قرآن تلاوت می‌کرد که از هوش رفت. وقتی به هوش آمد سؤال کردند چه شد که به این حال افتادید؟ فرمود: "آیات قرآن را پیوسته تکرار می‌کردم تا جایی که این حالت به من دست داد که گویی آن را از زبان نازل کننده‌اش می‌شنوم" (ری شهری، ۱۳۸۵: ۶/ ۲۹۵).

نه تنها ادای این فریضه بزرگ مورد اهتمام معصومین بوده است بلکه همواره اقامه آن در اول وقت از اصول اساسی و غیرقابل تغییر برای امامان معصوم ما بوده است. "ابراهیم بن موسی قزاز می‌گوید: امام رضا (ع) به استقبال بعضی از طالبیین از شهر خارج شد. وقت نماز فرا رسید، امام با یاران خود به سوی قصری که در آن حوالی بود رفت و در کنار سنگ بزرگی فرود آمد و دستور داد اذان بگویند راوی می‌گوید عرض کردم: منتظر ملحق شدن بعضی از یاران هستیم که بیایند حضرت فرمود: خدا تو را بیامرزد! بدون عذر نماز را از اول وقت به تأخیر نینداز بر تو باد همیشه نماز را در اول وقت آن به جای آوری اذان بگو تا نماز بخوانیم" (ری شهری، ۱۳۸۵: ۶/ ۳۱۷).

آثار نماز

برنامه‌ای با این حد از توصیه و سفارش حتما دارای آثار بسیار گرانبغری است که در ذیل به برخی از آثار مهم آن اشاره‌ای گذرا می‌شود.

۱. دوری از فحشا و منکرات

شاید این مهم‌ترین اثر نماز باشد چرا که هیچ ثواب و عملی با وجود گناهان و معاصی به نتیجه نمی‌رسد اما کار خیر و عمل صالح و لو اندک بدون معصیت و گناه در نهایت به نتیجه خواهد رسید. قرآن مجید می‌فرماید: "اقم الصلوه ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر" نماز را برپادار که نماز انسان را از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد (عنکبوت، ۴۵) فحشاء اشاره به گناهان بزرگ پنهانی، و منکر گناهان بزرگ آشکار است، و یا فحشاء گناهانی است که بر اثر غلبه قوای شهویه، و منکر بر اثر غلبه قوه غضبیه صورت می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۱/۳۷۰).

اما راز دور شدن انسان نمازخوان از فحشا و بدی این است که طبیعت نماز از آنجا که انسان را به یاد نیرومندترین عامل باز دارنده، یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می‌اندازد دارای اثر بازدارندگی از فحشاء و منکر است. مثلاً کسی که ابتدای نماز تکبیر می‌گوید خداوند متعال را از هم چیز بالاتر و برتر می‌شمرد و به یاد نعمت‌های او می‌افتد حمد و سپاس او را می‌گوید و خدا را به رحمانیت و رحیمیت می‌ستاید و به یاد روز جزای او می‌افتد اعتراف به بندگی او می‌کند، از او یاری می‌جوید، صراط مستقیم از او می‌طلبد و از راه کسانی که غضب بر آنها شده و گمراهان به خدا پناه می‌برد. بدون شک در قلب و روح چنین انسانی جنبشی به سوی حق و حرکتی به سوی پاکی و جهشی به سوی تقوی پیدا می‌شود.

منتها هر نمازی به همان اندازه که از شریط کمال و روح عبادت برخوردار است نهی از فحشا و منکر می‌کند ممکن نیست کسی نماز بخواند و هیچگونه اثری در او نبخشد هر چند نمازش صوری باشد هر چند آلوده گناه باشد البته این گونه نماز تأثیرش کم است این گونه افراد اگر همان نماز را نمی‌خواندند از این هم آلوده‌تر بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۶/۲۸۴).

به عبارت دیگر نهی از فحشا و منکر سلسله مراتب و درجات زیادی دارد و هر نمازی به نسبت رعایت شرایط دارای بعضی از این درجات است. در حدیثی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۶/۲۸۷) از پیامبر بزرگوار اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم چنین می‌خوانیم که جوانی از انصار نماز را با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم ادا می‌کرد اما با این حالت، آلوده گناهان زشتی بود این ماجرا را به پیامبر (ص) عرضه داشتند فرمود: "ان صلاته تنهائهم یوماً". سرانجام نمازش روزی او را از این اعمال باز می‌دارد (مجلسی، ۱۴۲۱ق: ۷۹/۱۹۸).

این اثر نماز (بازدارندگی از گناه) به قدری اهمیت دارد که در بعضی از روایات اسلامی به عنوان معیار سنجش نماز مقبول و غیر مقبول از آن یاد شده چنانچه امام صادق (ع) می‌فرماید: "کسی که دوست دارد ببیند آیا نمازش مقبول درگاه الهی شده یا نه باید ببیند آیا این نماز او را از زشتی‌ها و منکرات باز داشته یا نه به همان مقدار که بازداشته نمازش قبول است" (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۶/۲۸۷).

اثر بازدارندگی نماز از گناهان و معاصی آنقدر مهم است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم در حدیثی چنین فرمودند: "من لم تنهه صلوته عن الفحشاء و المنکر لم یزد بها من الله الا بعداً" یعنی: هر کس نمازش از ناسزا و بدی بازش ندارد به نماز از خدا دورتر شود (کاشانی، ۱۳۳۶: ۱۴۰/۷).

۲. نماز و بخشش گناهان

در روایات از نماز به عنوان عامل مهم بخشش و شستشوی از گناهان نام برده شده است لذا در حدیثی می‌خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: هر کس وضو بگیرد، گناهان از اعضای بدن او فرو می‌ریزد و با نماز خواندن از گناهان پاک می‌شود مثل روزی که از مادرش متولد شده است. نمازهای پنجگانه برای امت من مانند نهر جاری در جلوی خانه هر یک از شماست که با شستشو در آن در پنج نوبت چرک و کثیفی بر بدن تان نمی‌ماند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۶۹/۹). در حدیث دیگری از امام علی(ع) به همین اثر عالی نماز اشاره شده است که حضرت فرمود: با رسول خدا صلی الله علیه و سلم در مسجد در انتظار نماز بودیم که مردی برخاست و عرض کرد ای رسول خدا صلی الله علیه و سلم من گناهی کرده‌ام پیامبر صلی الله علیه و سلم روی از او برگرداند هنگامی که نماز تمام شد همان مرد برخاست و سخن او را تکرار کرد پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود آیا با ما این نماز را انجام ندادی؟ و برای آن بخوبی وضو نگرفتی؟ عرض کرد آری فرمود این کفاره گناه تو است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۶۹/۹).

۳. نماز و رفع ناراحتی

نماز یک عبادت زنده است که می‌بیند و می‌شنود، از این رو اگر نماز درک نداشت و مرده بود هرگز خداوند متعال امر نمی‌کرد که از نماز کمک بگیرید چرا که کمک از مرده غیرعقلانی است. "کان علی(ع) اذا ها له شیء فزع الی الصلاة ثم تلی هذه الایة واستعینوا بالصبر و الصلاة" هنگامی که برای امیرالمؤمنین(ع) مشکلی پیش می‌آمد، به نماز پناه می‌برد (و ناراحتی خویش را از طریق نماز جبران می‌کرد) و آیه از شکیبایی و نماز یاری جویید، را تلاوت می‌کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۵۲۰/۱).

و از همین روست که امام صادق(ع) می‌فرماید: هر زمانی غم و اندوه دنیا بر شما چیره شده وضو بگیرید و به مسجد بروید و دو رکعت نماز بخوانید چون خداوند تعالی می‌فرماید: و استعینوا بالصبر و الصلوة (بقره، ۴۵) از نماز و روزه کمک و یاری بگیرید بعد امام صادق(ع) در ادامه فرمودند: شیوه رسول خدا (ص) همچنان بود که هرگاه باد سهمگین می‌آمد به مسجد می‌رفت و از نماز کمک می‌گرفت چون در آسمان کسوف و خسوف پدید می‌آمد نیز به نماز پناه می‌برد پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: همه پیامبران خدا هرگاه دچار نگرانی و تشویش می‌شدند برای رفع نگرانی به نماز پناه می‌بردند.

۴. نماز رهایی بخش از دوزخ و جهنم

یکی دیگر از اثراتی که نماز برای فرد در آخرت دارد رهایی بخش بودن نماز از دوزخ و آتش جهنم است همانگونه که قرآن مجید داستان کسانی را بیان می‌کند که جهنمی شدند و وقتی از آنها سؤال می‌شود که چه چیز باعث به دوزخ رفتن شما شد؟ اولین علت را منتسب به نماز نخواندن می‌کنند و می‌گویند: "لم نک من المصلین" (مدثر، ۴۳) ما از نمازگزاران نبودیم.

البته مجرمین به واسطه برنامه‌های دیگرشان در دنیا هم اهل دوزخ شدند اما یکی از کارهای آن‌ها ترک نماز بود، که موجب ورود آن‌ها به دوزخ شده از مفهوم این آیه شریفه می‌توانیم چنین استنباط کنیم که مؤمنین که اهل نجات و بهشت گردیدند یکی از چیزهایی که آنها را نجات داد و رستگار کرد نماز است امیرمؤمنان علی (ع) هم در نهج‌البلاغه در خطبه ۱۹۰ در این مورد چنین می‌فرماید: "تعاهدوا امر الصلاة و حافظوا علیها و استکثروا امنها و تقربوا بها فانها کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً الاتسمعون الی جواب اهل النارحین سئلوا ما سللکم فی سقر قالوا لم نک من المصلین....." یعنی: مواظب نماز باشید نماز را حفظ کنید زیاد نماز بخوانید بوسیله نماز با خدا نزدیک شوید زیرا نماز کاری است که خدا در وقت‌های معینی آن را واجب گردانیده است مگر به پاسخ جهنمی‌ها آنگاه که سؤال می‌شوند و جواب می‌دهند گوش نداده‌اید؟ چه چیزهایی شما را در جهنم افکند؟ جهنمی‌ها می‌گویند ما نماز نمی‌خواندیم.

۵. غفلت زدایی

سرچشمه همه خطاهای انسان، غفلت از یاد خداوند متعال و هدف خلقت است. علت عمده این غفلت غرق شدن در زندگی مادی و لذا نداشتن زودگذر آن است که باعث فراموشی یاد خداوند متعال می‌گردد. نماز عامل مهمی برای از بین رفتن این غفلت است، پنج وعده نماز روزانه و به صورت مرتب رو به قبله با پاکی و قرائت واجب قرآن در هر رکعت، نمازگزار را بی‌اختیار یاد معاد و قیامت و مهمان بودن در این دنیا می‌کند. لذا خداوند متعال می‌فرماید: "اقم الصلاة لذكری" (طه، ۱۴) نماز نعمت بزرگی است که هر روز، چند مرتبه به انسان بیدار باش می‌گوید.

۶. تکبرزدایی

یکی از عوامل مهم تکبرزدایی نماز است، زیرا انسان در هر شبانه روز هفده رکعت و در هر رکعت دو بار پیشانی بر خاک در برابر خدا می‌گذارد. خود را ذره کوچکی در برابر عظمت او می‌بیند، از این رو پرده‌های غرور و خودخواهی را کنار می‌زند. امیرالمؤمنین در خطبه قاصعه درباره خطرناک بودن تکبر می‌فرماید: شیطان به واسطه تکبر از بهشت رانده شد و شما گمان نبرید خداوند متعال کسی را به خاطر صفتی از بهشت براند و به خاطر همان صفت دیگری را وارد بهشت کند. تکبر عاملی است که شیطان را با شش هزار سال عبادت معاند و کافر کرد از این رو نماز، سد محکمی در برابر سیل ویران‌گر تکبر است. از این رو علی (ع) بعد از بیان فلسفه عبادت، یکی از آثار نماز را تکبر زدایی بیان نمود: "خداوند ایمان را برای پاکسازی انسان‌ها از شرک واجب کرده است و نماز را برای پاکسازی از کبر" (غررالحکم، کلمات قصار ۶۶۶۶).

۷. امیدبخشی

امیرالمؤمنین (ع) از عده‌ای پرسید امید بخش‌ترین آیه قرآن مجید کدام است؟ یکی گفت آیه‌ای که می‌فرماید: خدا غیر از شرک را برای برخی می‌بخشد «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» (نساء، ۴۸). دیگری گفت آیه‌ای که می‌فرماید: توبه کننده، خدا را مهربان می‌یابد. «وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء، ۱۱۰). نفر سوم گفت آیه‌ای که می‌فرماید: ای بندگان از رحمت من ناامید نشوید. «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» (زمر، ۵۳). نفر چهارم گفت: آیه‌ای انسان را به استغفار بعد از گناه تشویق می‌کند «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ» (آل عمران، ۱۳۵). حضرت هر بار می‌فرمودند: این آیه خوب است اما امید بخش‌ترین آیه نیست. و در آخر فرمودند از پیامبر شنیدم که امید بخش‌ترین آیه، آیه‌ای است که می‌فرماید نماز گناهان را از بین می‌برد «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (هود، ۱۱۴).

۸. استحقاق شفاعت پیدا کردن

امام صادق (ع) در لحظه‌های آخر عمر مبارکشان چشمانشان را گشودند و فرمود: با هر که قرابت و بستگی دارم، به نزد من گرد آورید. زمانی که همگان حاضر شدند، امام (ع) به آنان نگریست و فرمود: می‌فرماید: "ان شفاعتنا لاتنال مستخفا بالاصلاة" شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی‌رسد (معرفت، ۱۳۸۸: ۳/۳۵۸).

دعوت کردن از افراد و آمدن آنها به خانه حضرت آن هم در آن شرایط و موقعیت که هر کلامی گفته نمی‌شود نشان از اهمیت و عظمت نماز دارد و نکته مهم‌تر آن که کسی که نمازش را سبک بشمارد قابلیت شفاعت را ندارد. نه این که حضرت فرموده باشد من شفاعت نمی‌کنم بلکه آنچه از این حدیث شریف بر می‌آید کسانی که نماز را سبک بشمارند اصلاً قابلیت شفاعت را ندارند، با وجود آن که نماز می‌خوانند اما سستی و سبک شمردن نماز عقوبت درک نکردن شفاعت اهل بیت را در پی دارد.

نتیجه‌گیری

تعابیری که در رابطه با نماز به کار رفته است همچون کلید بهشت، دین بدون نماز بدون خیر است، سیما و چهره دین، تشبیه نسبت نماز با دین مثل سر به بدن، برترین عمل و ستون دین، اولین اقدام مؤمنینی که در زمین قدرت پیدا می‌کنند، ما را به این حقیقت شگرف رهنمون می‌سازد که نماز، عملی به ظاهر ساده ولی هدیه‌ای گران‌بها و امانتی سنگین از سوی خالق بی‌نیازی است که تنها از سوی انسان، این موجود مورد اعتراض ملائکه امکان ادای آن را دارد. و نماز را همچون فرستاده و حبیب خدای می‌داند که به بلال موقع اذان می‌گوید ارحنا یا بلال یا همچون سخن آیت الله قاضی که می‌فرماید تمام هم و غم ما تا اول الله اکبر نماز است. به نظر می‌رسد جامعه اسلامی ما هنوز هم از این ولیمه الهی سیراب نگشته و نیاز به شناساندن اسرار، معارف و اهمیت بسیار قابل توجه نماز می‌باشد.

منابع

- قرآن مجید
- نهج البلاغه
- خزائلی، محمد (۱۳۵۸). احکام قرآن، تهران، جاویدان.
- سمندری، مهدی (۱۳۸۰). اسرار الصلاة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، کافی، غفاری علی اکبر و آخوندی محمد، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق). الأمالی، قم، دار الثقافة.
- نجفی، محمد جواد (۱۳۷۱). ستارگان درخشان، ج ۳، تهران، کتاب فروشی اسلامیه.
- فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۳۸۳ق). محجة البیضاء، قم، جامعه مدرسین.
- متقی، علی بن حسام الدین، (۱۴۱۹ق). کنز العمال، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵). میزان الحکمه، قم، دارالحديث.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۲۱ق). بحار الانوار، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). مستدرک وسائل الشیعه، بیروت، مؤسسه آل البيت.
- قمی، عباس (۱۳۸۸). سفینه البحار، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۸). سنن النبی، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- حسینی جلالی، محمد حسین (۱۴۲۶ق). لباب النقول فی موافقات جامع الاصول، تهران، المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه.
- دستغیب، عبدالحسین، (۱۳۸۹). صلاه الخاشعین، قم، جامعه مدرسین.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۰). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله، (۱۳۳۶). تفسیر کبیر منهج الصادقین، تهران، نشر محمد حسن علمی.
- معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۸). التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه فرهنگی انتشارات التمهید.
- پناهیان، علیرضا، (۱۳۹۶). چگونه یک نماز خوب بخوانیم؟، تهران، مؤسسه عصر بیان معنوی.